گاهی رنج و زحمت زنده نگه داشتن خون شهید، از خود شهادت، کمتر نیست.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)



شهید سید محمد شم آبادی

نام پدر: سید عباس
تاریخ تولد: ۱۳۳۸
نام عملیات: فتح المبین
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۱/۸
محل شهادت: چذابه
تاریخ تشییع: ۱۳۶۱/۱/۱۳
محل دفن: شم آباد

۱۱۳

برای رفتن به جبهه خیلی تلاش می‌کرد تا مادرش را راضی کند. بالاخره ما راضی شدیم و او اعزام شد. در مشهد به او گفته بودند که تو پدرت از کار افتاده است و برادرت هم در جبهه، شما نرو برگرد، او هم برگشته بود. اما به خانه که آمد، مریض شد و در بستر افتاد.

مادرش گفت: دوایش دست من است. رو به سید عباس کرد و گفت: پسرم، چرا خودت را اذیت می‌کنی؟ شما با اعزام بعدی می‌توانی بروی، جبهه هم که نیرو می‌خواهد، برخیز و برو. او با خوشحالی از بستر بیماری برخواست و آماده شد.

چند روز بعد از اعزامش به منطقه، در ۱۳فروردین ماه ۱۳۶۱خبرشهادتش را آوردند. بعد از تشییع در سبزوار، به روستای شم آباد به خاک سپرده شد.

نقل خاطره: حجت السلام سیدعباس شم آبادی (پدرشهید)



مادر شهید والامقام



پدر شهید والامقام





پدرش از سادات خوشنام و روحانی محل بود.

سید محمد به خاطر کهولت سن پدر و اعزام برادر کوچکترش به منطقه، توفیق حضور در جبهه رو از دست داده بود.

آزرده خاطر شد، ولی مراعات حال پدر رو می‌کرد و چیزی نمی‌گفت، پدر نیز مثل مادر که متوجه احوال سید محمد بود، به او گفت: با اعزام بعدی عازم شو و فکر مارو هم نکن، خدای ما هم بزرگ است.

سید محمد انگاری منتظر این جمله‌ی پدر بود، خوشحال شد و در اولین فرصت اعزام شد.





آنها که شهید شدند به خدمت خودشان و سعادت خودشان و به اجر خودشان رسیدند.

امام خمینی (ره)



فروردین ۱۳۶۱در جبهه چزابه، بعد از شهادت شهید سیّد محمد که در سنگر نگهبانی هنگام پست شهید شد بود، من و علی‌اصغر شم‌آبادی به همراه حسین شم‌آبادی (رحیمی)، کنار همان سنگر عکس یادگاری گرفتیم.
در تاریخ ۱۳۶۵/۴/۱۹عملیات کربلای۱ منطقه مهران، علی‌اصغر شم‌آبادی و در تاریخ ۱۳۶۵/۱۱/۱۱ عملیات کربلای ۵ منطقه شلمچه حسین شم‌آبادی(رحیمی) هم به شهدا پیوستند.

نقل خاطره از سید ابوالفضل انصاری دوست شهید